

نوشته: دکتر هوشنگ نهاوندی
دکتر محمدرضا جلیلی*

مسائل کنونی اقتصاد چین

امروزه جمهوری چین با $9/700/000$ کیلومتر مربع مساحت و بیش از ۷۵۰ میلیون نفوس که با آهنگی در حدود $0/07/4$ در سال افزایش مییابد، یکی از قدرتهای سیاسی و کشورهای بزرگ جهان است^۱. که با ورود به سازمان ملل متحد و برقراری روابط سیاسی عادی با تقریباً همه ممالک، مسلماً نقشی روزافزون در سیاست بین الملل بازی خواهد کرد.

شناخت اقتصاد این کشور و مسائل آن برای علاقمندان به مسائل اقتصادی و سیاسی امری است ضروری و حیاتی، اما در چهار چوب یک مقاله کوتاه طبیعتاً میسر نیست. کوشش نویسندگان برای این خواهد بود که فقط بعضی از مسائل مهم اقتصاد چین را در اینجا طرح کنند. باشد که این مقاله بتواند بعنوان مقدمه‌ای برای وقوف به مسائل اقتصادی یکی از چند کشور بزرگ جهان، که قابل تفکیک از جنبه‌های مرامی و سیاسی و طبیعتاً تاریخی آن نیست، بکار آید.

نگاهی سریع بآمار و ارقام

از کل نفوس چین در حدود $0/60$ در روستاها زندگی می‌کنند. بعبارت دیگر چین

* - استاد یار تمام وقت دانشکده حقوق و علوم سیاسی

۱ - از لحاظ وسعت چین سومین کشور جهان پس از شوروی و کانادا محسوب میشود جمعیت چین در هر کیلومتر مربع ۷۶ نفر میباشد ولی توزیع جمعیت در سراسر کشور یکسان نیست و تفاوت‌های زیادی بین مناطق مختلف وجود دارد.

۲ - برای شناخت موقعیت جغرافیای چین رجوع شود به کتاب:

'La Chine - Jacques Pezeu - Massabuau
Editions Armand Collin - Paris , 1971.

محوالات عمرہ پین

» پمپوں میں بعض مواردی کے ذکر میں خود »

۱۹۷۰	۱۹۶۵	۱۹۵۹	۱۹۵۸	۱۹۵۷	۱۹۵۶	۱۹۵۲	پیرانی پڑا ۱۹۴۹
۲۴۵ ^(۱)	۱۹۵	۲۷۰	۲۵۰	۵۲۵	۲۵۰	۱۵۶/۵	۱۳۸
۲۳	۱۸	۱۳/۲	۵	۲/۶	۱/۳	۱/۳	
۱۷	۱/۵	۱۱/۱			۳۱۷/۰	۵/۰	
۲۰	۵/۶	۴۶/۵	۲۸۰	۳۳	۱۹/۳۴	۷/۲۶	۵/۹۶
۲۵۰	۲۵۰	۳۴	۲۷۰	۱۹۰	۱۳۰	۶۲/۶۳	۶۱/۸۸
۱۸	۱۱	۱۳/۶	۸	۱۷	۵/۲۵	۱/۳۴۴	۰/۸۳۳
۲۰	۱۰	۳/۸	۲/۲	۵/۶	۱/۳۳	۶۳/۰	۰/۳۳۱
۱۹	۶/۸	۱/۲۲۲		۲/۱	۷/۰	۱۷۱/۰	
۱۲	۱۰				۶/۷	۲/۸	
۲/۵	۱/۸				۱/۲۲۱	۰/۰	
۸/۵	۶				۵	۴/۲	

- ۴۱ : پمپ بند کرنے کے وقت کیمپ کرنا .
- ۴۲ : ٹریک اپناں جو باہر آتے ہیں ان کو بند کرنا .
- ۴۳ : ڈیفنڈنگ کے وقت پمپوں کی دیکھ بھال کرنا .

هنوز جامعه‌ای است روستائی . و این نکته برای توجیه ساختمان اقتصاد ملی این کشور و رویه مرامی زمامداران آن اهمیت اساسی دارد .

محصول برنج (شلوگ) کشور در سال ۱۹۶۸ قریب به ۹۵/۰۰۰/۰۰۰ تن، محصول جای آن در سال ۱۹۶۰ برابر ۱۶۰/۰۰۰ تن و مجموع استحصال انواع ماهی بوسیله این کشور در سال ۱۹۶۸ ، معادل ۶/۹۰۰/۰۰۰ تن بوده است .

چین در سال ۱۹۷۰ برابر ۱/۷۰۰/۰۰۰ تن قند ، ۱۲ میلیون تن سیمان و در سال ۱۹۶۸ معادل ۱/۴۵۳/۰۰۰ تن پنبه تولید کرده است . محصول سنگ آهن این کشور در سال ۱۹۶۸ برابر ۲۱/۰۰۰/۰۰۰ تن و محصول فولاد آن ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ تن بوده است و این کشور را میتوان از تولیدکنندگان مهم سنگ روی، سرب، سنگ آلومینیوم و قلع بشمار آورد . چین یکی از کشورهای مولد نفت است که گرچه آمار دقیق آن در دست نیست ولی تولیدات آن تقریباً برای تامین میزان مصرف روزافزون چین مکفی بنظر میرسد که بین ۱۶ تا ۱۸ میلیون تن در سال ۱۹۷۱ تخمین زده شده بود^۱.

خصائص کلی حکومت چین

گرچه چین جزء کشورهای کمونیست جهان محسوب میشود ولی نظام سیاسی و مرامی این کشور با اتحاد جماهیر شوروی تفاوت‌های اساسی دارد :

کمونیسم چین منکی به سنت‌های تاریخی و فرهنگ کشور است که یکی از کانون‌های اصلی تمدن جهان بوده است . گرچه در بعضی از موارد (و از جمله بهنگام انقلاب فرهنگی) رهبران چین کوشش کردند که تاریخ و سنت‌های ملی این کشور را از یاد ببرند و بالااقل تظاهر بفراموشی آن کنند ، اما این کوشش با کامیابی مواجه نشده است .

رهبر کنونی چین ، ماؤتسه تونگ خود يك فیلسوف و شاعر و متفکر سنتی چین بشمار میرود . بعلاوه استقرار کمونیسم در چین در بیشتر موارد از پشتیبانی اتحاد جماهیر شوروی برخوردار نبود. اختلافات چین و شوروی که امروزه بحد اعلامی خود رسیده البته در درجه اول ناشی از تضادهای غیر قابل اجتناب ملی است ولی تاریخ پنجاه سال اخیر روابط دو کشور نیز تا حد زیادی آنرا توجیه میکند :

نخستین نطفه حزب کمونیست چین در سال ۱۹۱۹ در پاریس و نخستین نطفه ملی آن بسال ۱۹۲۱ در شانگهای تشکیل شد . در سال ۱۹۲۰ کوه‌مین ترن (نام سازمان همکاری احزاب کمونیست جهان)^۲ کوشش کرده بود که بوسیله يك نفر کره‌ای يك حزب کمونیست

۱ - اکثر منابع آماری این مقاله از کتاب :

Deleyne - Jan Economie Chinoise Editions Seuil - Paris

1970 گرفته شده‌اند.

۲ - برای بررسی این مطلب مخصوصاً مراجعه شود به :

Dessanti - Dominique, "L' International Communiste"

Komintern در سال ۱۹۴۳ مشتمل شد. و در سال ۱۹۴۷ Kominform جایگزین

این سازمان شد .

در چین ایجاد کند. رهبران کومین ترن تفاوت زیادی میان کره‌ای زرد پوست و چینی زرد پوست قائل نبودند. اما احساسات ملی چینی‌ها مانع گرایش آنان بر رهبر کره‌ای شد.

پس از ایجاد حزب کمونیست در چین، از همان ابتدا میان رهبران آن و دولت روسیه اختلافات زیادی بوجود آمد که حتی منجر باخراج مائوتسه تونگ از مراجع رهبری حزب کمونیست چین گردید.

هنگامی که چانگ‌ای چک به قتل و عام کمونیستها پرداخت، دولت روسیه عکس العمل قابل ملاحظه‌ای نشان نداد و این دولت یکی از آخرین ممالکی بود که بهنگام عقب نشینی قوای کومین تانگ از برابر ارتش مائوتسه تونگ، سفارتخانه خود را در کاتون تعطیل کرد. در سیاست اقتصادی چین توجهی اساسی بمسائل کشاورزی و روستائی میشود:

مر احل تحول سیاست کشاورزی و زراعی در چین

مرحله ۱) - نخستین قدم دولت چین پس از استقرار قدرت در خاک آن کشور، درهم فرو ریختن نظام ارباب و رعیتی بود.

در سال ۱۹۴۸ دولت چین، الفای نظام خانجانی، تقسیم اراضی بین روستائیان و الفای دیون آنان را به مالکین سابق اعلام کرد.

مرحله ۲) - در سال ۱۹۵۴، مرحله دوم در سیاست کشاورزی چین آغاز شد که رهبران آن کشور آنرا تحت عنوان ساختمان سوسیالیسم در روستاها نامگذاری کردند. طبق تصمیم دولت خرده مالکین در شرکتهای تعاونی تولید (که متخصص کشاورزی معروف فرانسوی René Dumont به تعاونیهای نیمه سوسیالیست تعبیر میکند) عضو شدند^۱.

هر خرده مالک بابت ارزش وسایل تولید اختصاصی خود که اجباراً به تعاونی تولید کشاورزی تحویل داده بود، بهره‌ای دریافت میکرد. همچنین دستمزد ممینی بابت کار کشاورزی به وی پرداخت میشد.

مرحله ۳) - یکسال بعد در ۱۹۵۵، دولت چین کوشش خود را برای تبدیل این تعاونیهای کشاورزی به کالخوزه‌های نوع شوروی آغاز کرد. بطوری که در سال ۱۹۵۷ تعداد این نوع واحدها در سرتاسر چین به قریب ۲/۰۰۰/۰۰۰ رسید.

مرحله ۴) - در جریان سال ۱۹۵۷، دولت چین آرمان جدیدی را اعلام کرد و آن استقرار «نظام اشتراکی کامل» در روستاها بود،

تعاونیهای تولید کشاورزی و کالخوزها در واحدهای بزرگتری بنام «جامعه اشتراکی روستائی» Commune ادغام شدند و دولت چین کوشید که از این طریق انبوه روستائیان

1 - Dumont - René - "Revolution Dans Les Campagnes"

را با ترتیبات نظامی در کارهای عمرانی بسیج کند^۱.
عضویت و کار در این جامعه‌های روستائی اجباری بود. زندگی فردی بکلی از میان رفت
صرف غذا بصورت دسته جمعی درآمد. حتی خوابگاههای دسته جمعی ساخته شد تا مفهوم
زندگی خانوادگی که با خلیقات مردم چین در آمیخته بود، از بین برود. تعصب در این
راه بجائی رسید که قبرستانهای خانوادگی را نیز که وجودشان از سنتهای قدیمی چین است
تخریب کردند و یکی از رهبران این کشور اعلام داشت که باید باین ترتیب «مردگان را نیز
در کارساختمان جامعه جدید شریک و سهم کرد».
در حدود سال ۱۹۶۰ که اوج اجرای این سیاست بود، در حدود صد میلیون نفر از
مردم روستا نشین چین در این واحد ها اجباراً عضویت یافتند.
نتیجه، ایجاد مقاومت و شورش در روستاها، سقوط فاحش تولیدات کشاورزی، گسترش
گرسنگی و قحطی در چین بود.
بطوری که از پایان سال ۱۹۶۱، دولت چین سیاست ایجاد واحدهای اشتراکی
بزرگ را رها کرد.
مرحله ۵) - عقب نشینی و بازگشت به نظام خرده مالکی و عضویت اجباری در تعاونیها
کشاورزی، این مرحله از سال ۱۹۶۲ آغاز گشته است.
چنین بنظر میرسد که یکی از هدفهای اصلی سیاست دولت چین در مرحله قبلی مخصوصاً
حذف و امحاء خانواده بعنوان واحد اصلی جامعه بود تا فردا در مقابل قدرت دولت تنها بماند.
این سیاست با شکست کامل مواجه شد. چنانکه سیاست ضد خانواده حکومت بلشویکی
در روسیه که چند سالی پس از انقلاب با الهام از عقاید لابرینولا Labriola اجرا شد با
شکست کامل مواجه گردید و استالین آنرا کنار گذاشت.
علت دیگر بازگشت و عقب نشینی چنانکه گفتیم کاهش تولیدات کشاورزی بود.
مائوتسه تونگ در آن زمان اعلام کرد که بر اثر اجرای سیاست جامعه اشتراکی
روستائی، تولید غلات در سال ۱۹۵۸ به ۳۷۵ میلیون تن (۰/۷۰٪) بیش از ۱۹۵۷) و در
سال ۱۹۵۹ به ۵۲۵ میلیون تن میرسد. این ارقام در برنامه‌ها نیز گنجانده شد،
شکست سیاست «جهش بزرگ»^۲ باعث شده که هدفهای برنامه به ۲۵۰ میلیون تن
برای سال ۱۹۵۸ و ۲۷۵ میلیون تن برای سال ۱۹۵۹ تقلیل داده شود. این هدفها هم
تحقق نیافت و چین مجبور به جیره بندی مواد غذایی شد. خشکسالی هم باین مشکلات
کک کرد. اما اگر خشکسالی تنها عامل بحران کشاورزی بود مسلماً دولت چین به تغییر
سیاست تن در نمیداد.

۱ - برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رجوع شود به :

Macciocchi - Marai - Antonietta "De La Chine"

Editions Seuil - Paris 1971

2- «Grand Bond en Avant»

سیاست صنعتی و برنامه ریزی

از ابتدای استقرار قدرت خود ، دولت کنونی چین لزوم صنعتی کردن کشور را اعلام کرد . مافوقسه تونگ توسعه صنایع سنگین را بقدر توسعه کشاورزی برای اقتصاد کشور لازم اعلام کرد (سیاست موسوم براه رفتن روی دو پا) .

نخستین برنامه اقتصادی چین در سال ۱۹۵۲ آغاز شد . این برنامه با همکاری کارشناسان شوروی تنظیم شده بود . برنامه دوم جهش بزرگ نام یافت . برنامه سوم تا سال ۱۹۷۰ ادامه داشت و اینک چین که از ناآرامیهای « انقلاب فرهنگی » فارغ شده وبه صحنه سیاست بین الملل قدم گذاشته است ، دست اندرکار اجرای چهارمین برنامه خود میباشد .

در سال ۱۹۵۸ ، دولت چین به ایجاد ذوب آهن های روستائی به منظور افزایش تولید پولاد پرداخت . ظاهراً تعداد ۸۰۰۰۰۰۰ از این واحدهای کوچک بوجود آمده اما شکست این سیاست چنان بود که همه آنها در سال ۱۹۵۹ تعطیل شد و اینک چین راه سنتی متعارف صنعتی کردن را دوباره در پیش گرفته است .

سیاست صنعتی و بطور کلی برنامه ریزی کشوری چین ، مانند روسیه شوروی ، در اختیار دو قطب اصلی است : حزب و سازمان برنامه ریزی مرکزی ، سازمانهای برنامه ریزی منطقه ای (ظاهراً در حدود ۲۰ سازمان) در چهار چوب برنامه های کلی از اختیارات قابل ملاحظه ای برخوردار است .

اجرای برنامه بصورت حداکثر غیر متمرکز انجام میگردد . در رأس هر واحد صنعتی یک مدیر قرارداد که بوسیله وزارت مربوط تعیین میشود ، یک کمیته انتخابی از اعضای حزب در واحد صنعتی بعنوان مشاور و ناظر در مدیریت واحد همکاری میکند . اکثریت کارگران (آنها که عضو حزب نیستند) حق مداخله در امور کارگاه را ندارند . اما اجباراً در اتحادیه های کارگری که نماینده رسمی شان هستند ، عضویت دارند .

بازرگانی خارجی و نقش چین در اقتصاد جهانی

در سالهای اول حکومت کمونیستی ، قسمت اعظم تجارت خارجی این کشور با اتحاد شوروی و کشورهای وابسته بود . از سال ۱۹۶۰ که روابط چین و شوروی بسردی و سپس بحران گرائید ، اندک اندک جریانهای بازرگانی خارجی و روابط اقتصادی بین المللی چین تغییر جهت یافت .

در آوریل ۱۹۶۱ ، چین قراردادی با روسیه برای تقسیم و تمدید ۹۰۰ میلیون دلار باقی مانده قروض خود منعقد کرد . اما از آن تاریخ دیگر اعتبار تازه ای از روسیه دریافت نکرده است .

از اواسط همین سال ۱۹۶۱ ، چین قرارداد هایی با چند کشور خارجی (کانادا ،

صورت‌های کشورهای مهم صنعت غیر زیت

در یک میلیون دلار

کشورهای واردکننده	۱۹۶۰	۱۹۶۱	۱۹۶۲	۱۹۶۳	۱۹۶۴	۱۹۶۵	۱۹۶۶	۱۹۶۷	۱۹۶۸
ایران	۱۹/۳	۳۹/۱	۳۹/۳	۴/۸	۵۷/۸	۷۳/۷	۹۳/۵	۷۱/۵	۸۵/۳
فرانس	۱۲/۷	۱۵/۸	۱۷/۰	۳۱/۱	۳۰/۸	۴۳/۱	۵۳/۸	۴۸/۰	۵۳/۳
اینگلیس	۱۴/۳	۱۷/۳	۱۴/۳	۱۵/۲	۲۳/۷	۲۸/۳	۵۶/۵	۵۷/۷	۴۸/۰
روسیه - فرانسه	۹/۸	۳/۳	۴/۷	۸/۳	۱۳/۸	۱۴/۰	۱۵/۴	۱۳/۰	۱۱/۸
سویس	۳۱/۱	۱۴/۸	۱۳/۸	۱۵/۷	۱۹/۹	۲۵/۴	۳۰/۲	۲۷/۸	۳۷/۱
آلمان غربی	۱۴۷/۳	۸۶/۰	۸۹/۰	۱۰۵/۰	۱۴۰/۰	۱۹۴/۰	۲۴۸/۴	۲۳۱/۰	۲۵۵/۱
اینگلیس	۱۹/۷	۸۱/۴	۶۴/۸	۵۱/۸	۱۶/۸	۸۳/۰	۹۴/۷	۸۳/۰	۸۷/۲
کشورهای صنعت نفت	۱۰۳/۳	۱۱۸/۴	۸۸/۸	۷۹/۰	۱۰۵/۱	۱۳۲/۰	۱۵۱/۰	۱۳۸/۰	۱۳۸/۵
ژاپن	۱۰/۷	۳/۹	۴/۰	۴/۵	۱۵/۸	۲۵/۰	۳۰/۰	۳۱/۰	۳۳/۰
اینگلیس	۱۰/۵	۷/۱	۱۱/۰	۱۴/۸	۲۶/۸	۳۱/۸	۳۱/۳	۲۷/۸	۳۰/۰
فرانس	۵/۶	۵/۲	۴/۳	۴/۸	۸/۷	۱۳/۴	۱۹/۰	۲۳/۰	۲۷/۱
اینگلیس	۲۰/۵	۱۸/۰	۲۱/۳	۲۶/۲	۲۴/۸	۳۰/۳	۳۴/۱	۳۹/۷	۴۲/۲

مخ : سازمان صنعت نفت و گاز ایران

واردات عمیم الشورای تم صنعتی غیر کوزیت

» میلیون دلار «

۱۹۶۸	۱۹۶۷	۱۹۶۶	۱۹۶۵	۱۹۶۴	۱۹۶۳	۱۹۶۲	۱۹۶۱	۱۹۶۰	کشورهای صادر کننده
۱۷۴/۱	۲۰۶/۵	۱۱۹/۵	۷۹/۰	۲۵/۰	۱۵/۰	۳۰/۴	۳۰/۵	۹۵/۴	آنگول
۸۷/۶	۹۶/۰	۹۲/۴	۶/۰	۴۹/۰	۵۸/۰	۴۳/۳	۳۶/۴	۵۲/۷	فرانس
۶۱/۰	۷۶/۵	۱۳/۶	۵/۰	۱۸/۵	۱۹/۵	۱۹/۰	۲۹/۸	۳۹/۹	ایندی
۳/۰	۳۳/۰	۲۰/۳	۱۷/۰	۷/۰	۹/۵	۹/۹	۱۰/۲	۴۴/۱	بریتانیا، کوزیت
۲۵/۸	۱۲/۰	۱۶/۲	۱۹/۰	۶/۰	۱۲/۰	۲/۶	۲/۳	۲/۷	مس
۳۷۲/۶	۴۰۸/۰	۳۲۱/۰	۲۳۱/۰	۱۰۶/۰	۱۱۵/۰	۱۰۵/۰	۱۰۹/۲	۲۳۶/۳	کنزاد شریک
۱۸/۳	۱۰۸/۰	۹۴/۰	۷۲/۴	۵/۰	۳۷/۴	۴۴/۳	۲۵/۹	۸۷/۸	بشمال
۱۲۶/۸	۱۹۹/۰	۱۵۲/۰	۱۱۲/۰	۸۳/۰	۵۱/۶	۳۸/۴	۵۸/۹	۱۲۸/۲	کشورهای صادر اروپا
۳۲۵/۴	۲۸۸/۰	۳۱۵/۰	۲۴۵/۰	۱۵۳/۰	۶۲/۰	۴۵/۵	۱۶/۷	۲/۷	ژاپن
۸۸/۸	۱۹۰/۹	۸۲/۵	۱۹۸/۰	۱۵۲/۰	۲۰۲/۱	۹۷/۰	۱۶۶/۴	۲۲/۵	آسریا
۱۵۱/۰	۸۴/۴	۱۷۱/۰	۶۷/۵	۱۲۶/۰	۹۷/۲	۱۳۷/۰	۱۲۲/۸	۹/۱	کانادا
۴/۸	۸/۴	۱۲/۱	۱۲/۵	۱۰/۵	۱۲/۲	۱۴/۹	۱۷/۳	۳۱/۰	شمال کنت

منبع : سند تجاری و بازرگانی جمهوری خلق چین

فرانسه، استرالیا) برای خرید غلات و سپس قرارداد های دیگری برای خرید ماشین آلات صنعتی امضاء کرد .

بطور کلی چین از واردات کالاهای مصرفی اجتناب میکند (جز کالاهای استثنائی چون ساعت و یاسیگارهای ساخت آلبانی) .

در سال ۱۹۷۰ ، معادل $۲/۰۰۰/۰۰۰$ تن محصولات فلزی چون آهن و فولادهای مخصوص از طرف چین خریداری شده .

یکی دیگر از واردات اصلی چین هنوز غلات و مواد غذایی است . متوسط واردات چین در دهه ۱۹۶۰ - ۱۹۷۰ در حدود ۵ تا ۶ میلیون تن در سال بوده است .

بعلاوه چین کوشش میکند سطح اراضی زیر کشت برنج خود را توسعه دهد تا بتواند این کالا را که گرانتر است صادر کند و گندم را که ارزانتر است بخرد .

کوشش مستمر چین برای توسعه صادرات برنج علت سیاسی هم دارد و آن شکستن بازارهای تایلند و اندونزی و فیلیپین است که با چین روابط حسنه ندارند .

یک رقم عمده دیگر از واردات چین ، کالاهای سرمایه ای است . در سال ۱۹۶۵ ، میزان خرید چین از این بابت برابر ۳۳۰ میلیون دلار بوده است و ظاهراً از آن زمان تا کنون ارزش واردات کالاهای سرمایه ای بوسیله چین بطور متوسط سالیانه $۰/۱۰$ افزایش یافته .

در زمینه صادرات $۰/۲۰$ کل فروش چین بخارج در سال ۱۹۷۰ ، مواد اولیه بوده است . ارزش مجموع صادرات و واردات چین (بازرگانی خارجی) که در سال ۱۹۵۲ برابر ۲۱۰۰ میلیون دلار بود در سال ۱۹۶۹ به ۳۸۷۳ میلیون دلار رسید . از این رقم

فزونی صادرات بر واردات برابر ۸۱۷ میلیون دلار بوده است .

دو نتیجه بارز از این ارقام می توان گرفت :

اول ، مقام اندک چین در تجارت بین المللی است که از یک کشور ۳۰ میلیونی نفری چون ایران نیز کمتر است .

دوم ، مقام اندک کشورهای سوسیالیستی در تجارت خارجی چین است . مخصوصاً شوروی . در عوض تجارت چین با آلبانی ، رومانی و حتی کوبا شکوفان تر می باشد .

چین به بعضی از کشورهای جهان کمک مالی و اقتصادی می دهد . مخصوصاً به ویتنام شمالی (۲۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۶۹ . در مقابل ۳۵۰ میلیون دلار از جانب روسیه) و به آلبانی که با هزاران کیلومتر فاصله ، اقتصادش هنوز وابستگی به چین دارد .

طبق قراردادی که اخیراً میان آلبانی و چین منعقد شد ، دولت اخیر الذکر اعتبار اجرای سی طرح اقتصادی را تا سال ۱۹۷۵ در اختیار آلبانی قرار خواهد داد که از آن جمله اند ساختمان یک پالایشگاه نفت بظرفیت $۱/۰۰۰/۰۰۰$ تن و استقرار یک کارخانه مولد برق بظرفیت $۴/۰۰۰/۰۰۰$ کیلووات در ساعت .

کره شمالی ، دیگر چندسالی است که از کمک چین استفاده نمی کند .

تولیع صادرات چین بر گروہهای مختلف کشوری جهان

« F.O.B. فوب » « میلیون دلار »

	۱۹۶۹	۱۹۶۸	۱۹۶۷	۱۹۶۶	۱۹۶۵	۱۹۶۴	۱۹۶۳	۱۹۶۲	۱۹۶۱	۱۹۶۰	۱۹۵۷	۱۹۵۲	
گروه کشورها	۶۶۹	۷۱۶	۸۱۶	۱۱۶۱	۱۱۶۱	۱۱۶۱	۱۱۶۳	۱۱۶۳	۱۱۶۳	۱۱۶۳	۱۱۶۰	۱۱۶۰	۱۱۶۰
کشورهای کبریت		۳۳	۳۳	۳۳	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰
کشورهای صنعتی برابری		۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰
ملت کلت واکاؤ		۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰
کشورهای در حال ترقی		۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰
جمع صادرات	۱۹۰	۱۷۵	۲۷۱	۳۵۳	۳۰۹	۳۰۹	۳۰۹	۳۰۹	۳۰۹	۳۰۹	۳۰۹	۳۰۹	۳۰۹

واردات چین از گروہهای مختلف کشوری جهان

« میلیون دلار »

	۱۹۶۹	۱۹۶۸	۱۹۶۷	۱۹۶۶	۱۹۶۵	۱۹۶۴	۱۹۶۳	۱۹۶۲	۱۹۶۱	۱۹۶۰	۱۹۵۷	۱۹۵۲	
گروه کشورها	۳۸۷	۳۳۰	۳۳۰	۳۳۰	۳۳۰	۳۳۰	۳۳۰	۳۳۰	۳۳۰	۳۳۰	۳۳۰	۳۳۰	۳۳۰
کشورهای کبریت		۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰
کشورهای صنعتی برابری		۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰
ملت کلت واکاؤ		۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰
کشورهای در حال ترقی		۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰
جمع واردات	۱۷۹	۱۶۱	۱۶۱	۱۶۱	۱۶۱	۱۶۱	۱۶۱	۱۶۱	۱۶۱	۱۶۱	۱۶۱	۱۶۱	۱۶۱
واردات نفت													
تبع انگلستان													

موضوع اینجانب گزارشات صادرات و واردات چین در سال ۱۹۶۹ است. در صورت اشتباه در گزارشات . اصلاحات به شماره ۲۱۱۱ پیوسته در دسترس است. به تاریخ ۲۰۰۷ میلادی

کشورهای دیگری که از کمک چین استفاده میکنند عبارتند از پاکستان ، افغانستان ، نپال ، سیلان ، یمن ، یمن جنوبی ، تانزانیا ، کنگوی سابق فرانسه ، سومالی ، سودان ، کینه و کوبا .

این کمکها یا بصورت فروش اقساطی ماشین آلات است و یا بصورت اعزام متخصصان فنی. اخیراً در روابط میان کوبا و چین سردی پدیدار شده . کوباها معتقدند که کارخانه های چینی دارای بهره وری کافی نیست و به واحدهای صنعتی چند دهساله پیش کشورهای صنعتی شبیه است.

کمکهای اقتصادی چین طبیعتاً دارای جنبه سیاسی است یعنی بسوی کشورهای میرود که هم از چین بسیار عقب مانده ترند و هم در آنها امید استقرار نفوذ سیاسی هست.

سیاست استفاده از نیروی انسانی و موضوع تنظیم خانواده

یکی از خصائص عمده سیاست اقتصادی چین کوشش قابل ملاحظه ای است که برای استفاده از نیروی انسانی در اجرای طرحهای آبادانی و حتی تولیدی بکار رفته است^۱.

البته پس از شکست سریع در حله موسوم به جهش بزرگ و ایجاد جوامع اشتراکی روستائی ، در این زمینه با تأمل و تدبیر بیشتری عمل می شود .
توجه این سیاست دو چیز است :

- جبران کمبود سرمایه از طریق جایگزینی آن بوسیله نیروی کار که چین بحدوفور در اختیار دارد و اختصاص سرمایه های در دسترس به بخشهای حیاتی و سوق الجیشی چون صنایع سنگین .

- رفع بیکاری مزمن در کشوری با نفوس انبوه و با آهنگ رشد قابل ملاحظه جمعیت و اجرای سریع طرحهای بهداشتی ، عمران روستائی ، زه کشی و امثال آن که به بهبود سریع وضع زندگی کمک می کند بعلاوه فراموش نباید کرد که مقامات دولتی چین همواره استفاده از نیروی انسانی را بصورت سلاخی جهت مراقبت در گراپشهای دسته جمعی افکار عمومی و بنظم در آوردن آن در جهت تصمیمات خود ، بکار گرفته اند .

به همین دلایل است که از ابتدای استقرار حکومت کمونیستی در چین ، زمامداران این کشور هر گونه سیاست تحدید موالید را ضد مارکسیست میخواندند و با آن به مبارزه برخاستند. بارها مائوتسه تونگ انسان را بزرگترین سرمایه چین خواند . اما زمامداران چین بسرعت دریافته اند که نیل به يك آهنگ مطلوب افزایش قوه خرید و سطح زندگی مستلزم ایجاد

۱ - کشورهای توسعه نیافته ، بقلم Yves Lacoste ترجمه دکتر هوشنگ نهاوندی
چاب سوم ، انتشارات دانشگاه تهران ، سال ۱۳۵۰ فصل آخر

نظمی در میزان ازدیاد نفوس است. بهمین سبب از ۱۹۶۵، بدون سروصدا ولی بطور جدی سیاست تنظیم خانواده تحت عنوان « آزادی زن از قید فرزندان زیاد » تعقیب میشود.

نتیجه:

هدف ما در این مقاله بسیار ناقص، قضاوتی در مورد اقتصاد چین نبود - بلکه طرح چند مسأله مقدماتی بود در مورد شناسائی مسائل این کشور و کامیابیهای زمامداران چین، از جمله در زمینه تحقیقات علمی، توسعه بهداشت و آغاز فعالیت صنایع نوین در چین؛ در مقابل ناکامیهای آنان از جمله در زمینه بسط و توسعه کشاورزی، شکست جوامع اشتراکی روستائی، شکست انقلاب فرهنگی، مسائلی است که باید مورد مطالعه قرار گیرد.

همچنانکه از سیاست توسعه طلبی مرامی و حتی جغرافیائی چین غافل نباید ماند. چین امروز، بالفعل و بخودی خود در اقتصاد جهان وزنی کمتر از يك کشور متوسط نیمه توسعه یافته دارد، اما بالقوه دارای امکاناتی است بس وسیع. امکاناتی که ضرورت توجه به تحولات آینده آنرا ایجاب میکند. بخصوص که اکنون چین بعنوان یکی از پنج کشور بزرگ جهان به سازمان ملل متحد وارد شده و چنانکه گفتیم با بیشتر کشورهای جهان روابط عادی و بعضاً دوستانه و بهر حال غیر متخاصم سیاسی برقرار کرده است. ناسامانها و افراطهای زمان انقلاب فرهنگی و پیش از آن دوران جهش بزرگ، پشت سر گذاشته شده و اقتصاد چین حالتی عادی تر بخود گرفته.

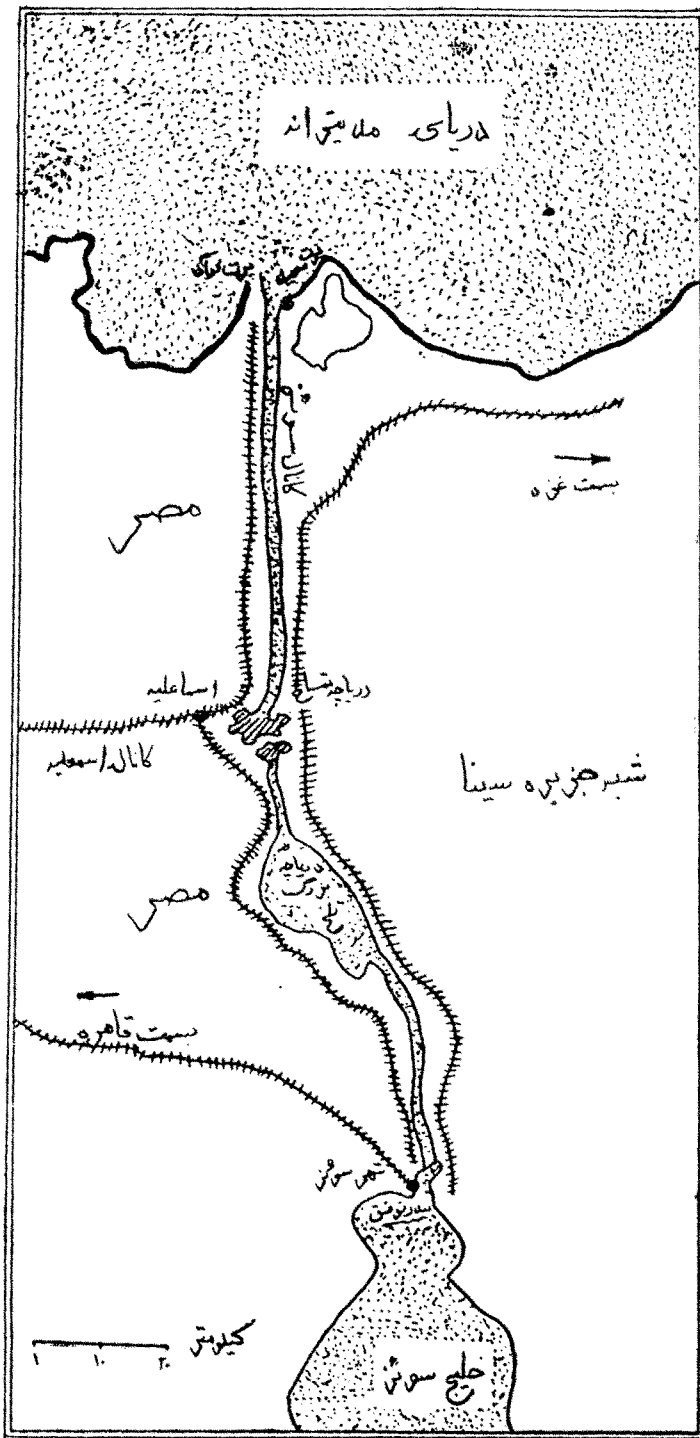
نتیجه آنکه هم بر اثر عادی شدن وضع بین المللی چین و هم بر اثر عادی شدن وضع زندگی داخلی مردمان آن، چنانکه تجربه پیشین شوروی نشان داد، شناسائی چین بمناسبت آسانتر شدن رفت و آمد و روابط، هم کمتر دشوار خواهد بود و هم ضروری تر است.

مسئله چین در حال حاضر با مشکل بزرگی چون بحران روابطش با روسیه مواجه است. در تحت لوای اختلافات مرامی و مسلکی^۱ در تعبیر عقاید مارکس و انگلس و لنین (این عقاید آنچنان مبهم و کلی و در مورد دوتن اول بعد از گذشت بیش از يك قرن غیر منطبق با واقعیات زمانه و تخیلی است که تقریباً هر تعبیری از آن میسور است) اختلافات این دو کشور در درجه اول تضادهای ملی است که برای توجیه و درک آن باید تاریخ روسیه و تاریخ چین را خواند و شناخت. تاریخ روسیه سراپا حکایت از بیم این قوم از گسترش نفوذ زرد بوستان است و تاریخ چین نمایشگر حس بدبینی و تحقیر این ملت است نسبت به سفید بوستان مستقر در روسیه که بخصوص در سالهای آخر انحطاط امپراطوری چین در دست اندازی باین سرزمین با دیگر اروپائیان شریک و سهم بودند.

۱ - مخصوصاً رجوع شود به:

بسبب همین اختلاف عمیق هر دو کشور همسایه و هم سرحد خواهند کوشید که تقارهای خود را با دیگر ممالک تخفیف و تسکین دهند و این امر دارد هم اکنون وضع روابط سیاسی را در صحنه بین المللی دگرگون میسازد .

البته این پیش بینی يك دورنگری نیست . يك استنباط است و این استنباط ممکن است با تغییرات ناگهانی در حکومتهای دو کشور ، دچار تغییر شود . یا بر اثر حوادث و رویدادهای پیش بینی نشده بین المللی .



نقشه از دائرة المعارف بریتانیکا